

پلخمون

قیمت: قبلاً حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا | شماره ۹۷
شماره روزنامه ۴۱۵۸ | شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

وزیر صمت:

بنا شده هر خودرو ساز دست کم یک نوع خودرو
اقتصادی تولید و عرضه کند



اگر این روش گزاشتن
دوتا ایربگ بگفتن اقتصاد
بازم کس کین!



کارتون: محمدعلی رحیمی

کپی/ک/ ۸ صفحه

شیر خسته

کپی/ک/ ۵ صفحه

توی کنسرت
این سه تا کار رو نکن!

مازلاق/ ۲ صفحه

جدی
می فرمایین؟!

جدی می فرمایین؟!



مادرم اومد خونه و بدون مقدمه بهم گفت: «این پسر آقا کامران بود». گفتم: «خب! خب!» ادامه داد: «همونی که چند وقت پیش دوقطبی شده بود. همه ش توی خیابون با خودش حرف می زد». گفتم: «نه مادر من! هندزفری بلوتوثی توی گوشش گذاشته بود. شما فکر کردین بنده خدا مشکل داره.» مادرم نگاهی عاقل اندر سفیه بهم انداخت و گفت: «این دفعه فکر کنم کارش از دوقطبی و اینا گذشته. دوقطبه نویی شده! با خودش حرف می زد هیچی. دستاش رو هم بی هدف دور و بر خودش تگون می داد.»

متوجه نشدم مادرم داشت کنایه می زد یا شوخی می کرد یا واقعا تصور می کرد بیماری ای به نام دوقطبه نویی هست که از دوقطبی خطرناک تره. به هر حال آدم از کار این مدافعی کی روش سر در نمی آره! گفتم: «باور کن اون بیچاره مشکلی نداره. شما هم بهتره زیاد توی زندگی بقیه سرک نکشین.» که ناگهان کمی صورتش کج و معوج شد و گفت: «جدی می فرمایین؟! و بعد فیلمی که از پسر آقا کامران گرفته بود. نشونم داد و گفت: «پس اینا رو ما از کجا در آوردیم؟ سری به حالت تأسف تگون دادم و گفتم: «این اپل ویژن پروئه. دور و بر ۳۰۰ میلیون تومن قیمتشه. حتما وضعیت خیلی خوب شده.» در بحر مکاشفت مستغرق شدم و سپس یاد چندتا از کلیپ های انگیزشی افتادم که توی اینستاگرام دیده بودم و بعد رو به مادرم کردم و گفتم: «به دایی می گی همون موتوروش رو بهم قرض بده؟ شما هم اگه جوراب سوراخ داری بهم بده!»

مادر اشک در چشمانش جمع شد و با عصبانیت گفت: «بهت این همه مدت گفتم بیا موتور دایی ت رو بردار یه دوری بزنی یه گردن بند طلائی. دست بند طلائی چیزی برام کف بزنی. نکردی! حالا می خوای واسه یه عینک دودی مسخره که آخرش مردم فکر کنن دیوونه ای. موتور رو از دایی ت قرض بگیری؟! شیرم رو حلال نمی کنم.»

وعده های شوخی شوخی

این روزهای نزدیک انتخابات اگر شنیدید تلگرام می خواهد رفع فیلتر شود و گوشت ارزان شود و یارانه صد برابر، یا یکی خیلی تحویلتان گرفت و دیدید به شما سلام می کند و آدم حسابتان می کند، به خودتان نگیرید. اصلا به شما ربطی ندارد. دو پا دارید، دوتای دیگر هم قرض کنید و بگریزید. شما نمی دانید چرا، ولی ماهم نمی دانیم چرا. یعنی چیزه، چرامی دانیم، چون نزدیک انتخابات است و آدمی هر وعده و وعیدی را که دم دستش باشد و ببیند می تواند بگوید، می گوید. اصلا هم به این دقت نمی کنند که بعضی از آن ها کلا نشدنی، مخصوصا نماینده ای که قرار است به مجلس برود و بشود مجلسی آدم و خیلی از جلساتش را هم شرکت نکنند و میان نطق رئیس مجلس چرت بزنند و رأی بدهند و ندهند و ممتنع بازی در بیاورند و از این جور چیزها.

آدم یاد وعده های انتخاباتی شورای دانش آموزی می افتد. باز خدا خیر همان بچه ها را بدهد که در نهایت وعده شان این بود که مدیر مدرسه را عوض کنند. نه اینکه کل دنیا گل و بلبل شود. بگذریم. خلاصه که طبق سال های گذشته و دوره های قبلی، ماکم ندیده ایم از این چیزها. حتی بعید نیست نماینده ای وعده بدهد که نه تنها خدمت سربازی را کلا حذف می کنیم، بلکه اصلا خودمان می آییم به شما خدمت می کنیم! خلاصه که از مابه شما نصیحت: این روزها هر کسی هر وعده ای داد، لبخند بزنید و رد شوید. حتی می توانید بگویید «جدی می فرمایید؟ پس اینا رو ما از کجا آوردیم؟ اینا چی بوده تا الان دیدیم؟ چرا قبلیا نتونستن؟ چرا تا الان این جوری شده؟» یک بیماری داریم به این صورت که آدمی تا خرش از پل می گذرد، یادش می رود حتی به شما سلام کند، چه برسد به اینکه وعده هایش را عملی کند. البته کم هم نبوده اند افرادی که آمده اند و عمل کرده اند و خوب بوده اند. قهر و این اداها را بگذارید برای همان هایی که خوب شما را نمی خواهند. روزهای تبلیغات نامزدهای انتخاباتی را جدی بگیرید. شما شوخی شوخی از وعده های فلانی خوشتان می آید و بهش رأی می دهید. طرف جدی جدی نماینده عده ای از مردم می شود و هیچی به هیچی.



صفحه ۲
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

در حاشیه افتتاح نیروگاه برق ارومیه توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



۲ ما و وزارت نیرو با هم این حرفا رو نداریم. چهار روز دیگه هم جواد جان اوجی می آد اختتامیه جشنواره فجر رو «هول حالنا، می کنه! مهم خدمته، اینجا و اونجا نداره!»

۳ البته ایشون وزیر نفتن قربان!

۱ راسته می گن شما نیروگاه برق ارومیه رو افتتاح کردین؟ ما تا الان فکر می کردیم شما وزیر فرهنگ و ارشادین قربان!

حجت عبدالملکی در همایش اقتصاد دریا محور ایران



۱ داشتی می گفتی با یک تومن می شه کار تولیدی کرد؟ حتی توی دریا؟

۲ بله جانم! یه چوب برمی داری بهش کرم خاکی قلاب می کنی می ندازی تو دریا! بهترین بیزینس! عیدم که نزدیکه و بازار ماهی قرمز داغ!

وضعیت «ریشا»، شیر باغ وحش مشهد



نوموخوام

۱ پاشو با هم یه دوری بزنیم. همین عکاسه رو هم سر راه بخور. چون بگیری. این قدر پشت سرت حرف در نیارن. ها؟ چی می گی؟

افتتاح نمایشگاه بین المللی گردشگری با حضور دبیر کل گردشگری سازمان ملل



۱ دبیرکل گردشگری سازمان ملل اینجا نشسته. باز پشت تریبون درباره توالت و سرویس بهداشتی صحبت نکنی ها. آبرو داریم.

۲ خودتون توی بیست تا وزارتخونه، عدل آدم رو می ذارین وزارت سرویس های بهداشتی. بعد هم بکنن کن می کنین قربان؟ اصلا نخواستیم مال خودت

سياست رو نريزين توى ورزش

قراره بشه اولين رود خصوصى كشور!

شهرازا: باترى دزد مشهدى، مهندس الكترونيك بود.

بافري: باترى دزد، مى خوام توى زندان مهندسى مكانيك هم بگيرم تا بتونم در اينده كل ماشين رو بدزدم!

شهرازا: مشهد مدرسه خطر آفرين ندارد. **بافري:** فقط چندتا مدرسه مرگ آور داره، ولي خطر آفرين نيستن!



فرارو: عيدي بازنشستگان پول دوجفت كفش نمى شود.

بافري: عوضش باهاش مى شه سه چهار تادمپايى لانگشتى خريد!

شهرازا: نياز خراسان رضوى به ۱۴ هزار كلاس درس

بافري: اول معلم رو فراهم كنين، بعد به فكر كلاس درس باشين!

باشگاه خبرنگاران جوان: مرگ بانك دار معروف نيجريه در سقوط بالگرد

بافري: و بريايى جشن شادى ميان بدهكاران بانكى و وام گيرندگان از بانك متوفى!

جهان صنعت: دولت واردات خودرو را به ابزاري براى توزيع رانت تبديل كرد. **بافري:** دولت: فعلا توزيع گوشت و مرغ نداريم، به جاش يه كم رانت توزيع مى كنيم!

جهان نيوز: هنر نمايى استاندارد آذربايجان غربى با نانچيكو

بافري: روح بروسلې، تو رو روح من اين قدر سياست رو نريزين توى ورزش!

شهرازا: ادامه ساخت رود پارک فعلا مسکوت است.

بافري: چون ۱۰۰۰ صاحب پيدا کرده و

خبرگزاری مهر: وزير ارتباطات: افزايش تعرفه اينترنت کمتر از نرخ تورم امسال است.

بافري: وزير صمت: ما هم گرون مى كنيم با اين تفاوت كه خودروهاى ما بعد از گرون شدن، سرعت و شتاب قبلى خودشون رو حفظ مى كنن!

تابناك: معاينه هم زمان چند بيمار در مطب ممنوع!

بافري: يك پزشك: به جاى اينكه بگين ممنوع، بگين ممنون! آخه شايد مشكل بيمار قبلى، مريضى بعدى شما باشه!



اعتماد: متوسط قيمت يك متر آپارتمان در تهران ۸۰ ميليون تومان **بافري:** وزارت مسكن: بايد قيمت آپارتمان بر اساس سانتى متر محاسبه گردد تا مبلغ کمتر شود!

تسنيم: مديرعامل تأمين اجتماعى: در تلاشيم با تأمين منابع، عيدي را به حساب بازنشستگان واريز كنيم.

بافري: وى افزود: باور كنيد اگر يك درصد اطلاع داشتيم كه بعد از اسفند، عيد نوروز فرا مى رسد، زودتر تلاش مى كرديم كه منابع را تأمين كنيم.

جهان صنعت: فشار تورم بر كارگران **بافري:** تورم: جالبه كه هيچى هم نمى كن. همين فشار رو من روى دايره مى آوردم، بيضى مى شد!

ابرار: افزايش هزينه مردن با گراني ۳۰ درصدى قبر

بافري: تورم: خلاصه مديونين اگه فكر كنين بعد از مرگ تنها تون مى دارم!



صفحه ۲
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

امير حسين پنجابى

در حاشيه اعزام پرتعداد مديران فدراسيون فوتبال به قطر



مخبر الشعرا

عیدی بازنشستگان روجفت کفش نمى شود

عيد آمد، ده گرم چايى بخر
جاى شيريني تو خرمايى بخر
فاتحه خوان بر چنين مبلغ، پدر
كفش نه، يك جفت دمپايى بخر



تاج شش رستگاه VAR رايران مى شود

كاش يابوى گراني بر دهان افسار داشت
يك نفر با اين تورم، ذره اى هم كار داشت
كس نظارت بر گراني ها ندارد گوييا
كاشكى بازارهاى شهر وى اى آر داشت



معاون راگستى تهران: ۲۳۰۰ متر فو قى هاى تمار فات تهران، پيلايه سوار هستن

بس كه در جاده پى تعجيل است
بهرمان پاشنه آشيل است
مى كشد در همه جا، راه به راه
دستيار اول عزرائيل است!



شير باغ وحش مشهور چارسو، تغذيه شهراست

شير ما از آفريقا آمده است
يك نفر با او ولى گوياد است
شير بى بال و دم و اشكم كه ديد؟
ديده ام بنده، به شهر مشهد است



پرواز را به خاطر بسپار؛ پرنده خارجی است

- این قیافه حتی بهش نمی خوره که انگلیسی می افته.
- کو کمر بند؟ این که کمر بند نداره! واای!
- هیس بابا! لابد همون نخه است که از صندلی آویزونه. همون روگره بزن دور کمرت. از هیچی بهتره!
- بگو به لیوان آب بیاره. نفسم بالا نمی آد از استرس.
- ببخشین خانوم...
- نه. لازم نکرده! خودم می گم. خانوم! میس!
- اکسکیوز می! وان گلس واتر پلیز...
- حالا فارسی می گفتی، شاید می فهمید!
- به نفهمه، چه برسه به فارسی! اوه اوه... این چیه؟! به نیت آب بخور. اگه نمی خوای بده من. لابد شربت ضد تهوع و استرسه!
- وای راه افتاد. چرا این جوری می شه؟ خدایا رحم کن. چرا روی باند ویرا می ده؟ من می خوام پیاده شم.
- عزیزم نترس. دستم رو بگیر. فکر کنم فرمونش مناسب آسفالتای ما نیست. حالا هواپیما که بلند بشه، درست می شه. وای از روی باند بلند شد. آقا نگه دارا!

در پی اعلام احتمال استفاده از ایرلاین های خارجی در پروازهای داخلی، این گفتگو آخرین مکالمات بین دو مسافریکی از این پروازهاست که به دست ما رسیده:

- خانم: مطمئنی این هواپیماش مطمئنه؟ وسط راه سقوط نکنیم!
- آقا: نه عزیزم. خیالت راحت.
- آخه اسمش یه جوریه. قان قان ایر؟! عزیزم ایرلاین خارجیه. مال کشور دوست و برادرگامبولاست. رئیس سازمان هواپیمایی کشوری گفته به دلیل کمبود هواپیما، می خوام ایرلینای خارجی رو به پروازای داخلی وارد کنیم.
- همینکه اونجاست و چرخاش پنجره؟ چرا بالاش کج و کوله است؟! آره، فکر کنم همونه. حتما مدل جدیدیه. شاید صنعت هوانوردی پیشرفت کرده و به این نتیجه رسیدن که هرچی بال هواپیما قتر باشه، سرعتش بیشتر می شه، نیازی هم به چرخ نداره! حالا بیا سوار شیم، نترس.
- این که بدنه ش هم وصله پینه است! من سوار نمی شم.
- نه بابا زشته، بیا بالا. الان که دیگه نمی شه از روی پله ها برگردیم. بریم داخلش درسته حتما.
- به جون خودم اینا مهماندار نیستن. نکنه بخوان مارو بدزدن. دیدی اون مرده چه جوری بهمون نگاه می کرد و پوزخند می زد؟ هیس! می شنون! عوضش این خانومه رو نگاه کن چقدر چهره مهربونی داره و می خنده.
- خبه خبه! بیا برو داخل کنار پنجره بشین. برو دیگه.
- هل نده. جانمی شم عزیزم!
- چرا این قدر تنگه صندلیاش؟ برای امنیت بیشتره. هرچی فشرده تر باشیم، در برابر ضربه و اینا مقاوم تر می شیم!
- این چیه داره از سقفش می چکه؟ چرا صندلی خیسه؟
- اینا آپشنای جدیدیه برای داشتن سفری خاطره انگیز. کمر بندت رو ببند، الان راه

رئیس سازمان هواپیمایی کشوری:
به دلیل کمبود هواپیما پیگیر ورود ایرلاین های خارجی به پروازهای داخلی هستیم



کارتون: محمدعلی رحیمی

صفحه ۴
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

پرتاب های سه امتیازی

اگر هنوز نمی دانید پرتاب های سه امتیازی چیست و موفق به کسب امتیاز آن نشده اید، معلوم می شود این یادداشت برای شما مناسب نیست.

پس الکی وقت خود را نگیرید و با ایستادن بیجا مانع کسب ما نشوید. اما اگر با گفتن همین جمله، یاد همه پرتاب های

خودتان افتادید و لحظات ریسکی و پراسترس پرتاب کیسه زباله از پنجره اتاق به سطل زباله داخل خیابان در ذهنتان تداعی شد و لبخند مرموزی روی لبتان نشست، اتفاقا این مطلب دقیقا برای شماست.

بله، خود شما؛ شمایی که تاکنون زحمت رفتن تا دم در را به خود نداده اید و زمانی

که بوی آشغال کل خانه تان را برداشت، سریع پلاستیک حاوی آشغال های خشک و خیس و عفونی و همه جوره را با تمرکز و دقت کافی پرتاب کرده اید پایین؛ شمایی که اصلا نمی دانید ماشین حمل زباله کی می آید و چه ساعتی باید زباله ها را دم در گذاشت؛ شمایی که منبع تغذیه خیل عظیمی از گربه های

محل هستید و هر آمدن شما را می وعده غذایی جد شود؛ شمایی که آشغال تان را آن طرف تر هم ببرید کیسه زباله تان می خانه تان را پیدا کرد تازه پس از آمدن و شهرداری یادتان

صفحه ۵
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

سقف وام ازدواج بالا رفت

آن قدر زیاد که دست زوج های جوان به آن نمی رسد

صفحه ۶

آدم فضایی ها فضلی ناراحت شدند وقتی دیدند فضانورد ایرانی در فضا قرمه سبزی خورد ولی به آن ها یک قاشق هم تعارف نذر صفحه ۶	بعد از اینکه حق پول های پرونده مالیاتی مؤدیان خرد آن ها را هم رفتیم با بیشترین بخشودگی جرائم بسته می شود صفحه ۶	رئیس باغ وحش مشهد: از پس جلورین حیوانات چیس و یغی ری زید شیر هم مثل آدم بیمار می شود از این به بعد برایش لمپوت بیاورید
با استفاده از پرایدی توانید به آن دنیا بروید و هوش مصنوعی با عزیزان از دست رفته خود صحبت کنید صفحه ۶	بسا زعفران ها: خودمون این قدر سباده علمی داریم که جای خالی شرکت های دانش بنیان در بازار مسکن روپنیم صفحه ۶	پس از اینکه قیمت جدید گوشت اعلام شد مردم به سوپرمارکت ها رفتند و پرسیدند قیمت جدید سوپا چند؟

پان پانک
محمد جواد قاضی خواه

Google

قرار شده است...

قرار شده است هر خودرو ساز دست کم یک خودرو اقتصادی تولید کند

قرار شده است هر خودرو ساز دست کم یک خودرو با کیفیت تولید کند

قرار شده است هر تولید کننده کالپاس یک محصول بدون گوشت گربه تولید کند

قرار شده است هر ایرانی دست کم یک لیوان نفت سر سفره خود داشته باشد

قرار شده است هر ایرانی دست کم ۲۰۰ میلیون درآمد از فروش کدملی داشته باشد

قرار شده است هر قفس باغ وحش مشهد دست کم یک حیوان دم موت داشته باشد

قرار شده است هر کیلو خاک هرگز کمتر از ۲۴ هزار تومان به فروش نرسد

قرار شده است هر نماینده مجلس و عمه و خاله اش دست کم یک فیدلینی داشته باشند

قرار شده است هر مسئول دست کم یک بار دعای تحویل سال را صحیح خوانده باشد

قرار شده است هر بازنشسته بتواند با پول عیدکاش دست کم دو قوطی کنسرو ماهی بخرد

پیکه
آرش آریایی

در حاشیه تنها جم ترکیه پس از حمله ایران به عناصر تروریستی در شمال عراق

۱. می دونی این چندمین باره که ایران و ترکیه دارن به ما حمله می کنن؟ چرا کاری نمی کنی؟

۲. بگو تروریستا از اونجا برن. من هم محکوم می کنم.

۳. تو چرا دیگه می زنی؟

۴. عناصر ضد عراق هم اونجا هستن. خودم هم می زنم.

۵. اصلا می رم می گم آمریکا بیاد کمک.

۶. برو، ولی حواست باشه پایگاه های آمریکا رو این روزا بیشتر از مال شما می زنن!

صفحه ۶
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

اتفاقا دانشمندای باغ وحش ما هم تأکید مؤکد دارن که گوشت قرمز مساوی است با بیماری انگلی. هرچی هم بهشون یادآوری می کنی که بابا اصلا یال و کوپال و خوی درندگی ما کشک، افت داره جلو سلطان جنگل کلم بروکلی و هویج باگارنیش فلفل دلمه و جوانه ماش می ذارین، می گن «جدی می فرمایین؟ پس ما اینارو از کجامون درآوردیم؟!»

آقای پشیم
باغ وحش مشهد

جاج نکن برادر من. هرچی می شه زارت همه چی رو با من و هم طویله ای هام یکی می کنین. ما!!!!!! فعلا با اختلاف صدر جدولیم. حالا الاهام کسی نمی تونه با ما رقابت کنه. بالاخره باید نشون بدیم کت تن کیه!

گابی

دانشمندان استرالیایی: مصرف منظم گوشت قرمز و فراورده های گوشتی ابتلا به آلزایمر را افزایش می دهد. (دنیای اقتصاد)

والا این جور که بوش می آد، به زودی می گن مرغ سرطان زاست، آجیل عامل سکنه مغزیه، نون عفونت حاد تنفسی می آره. میوه ریشه انسداد عروق کرونره، آب هم بخوریم اسهال عفونی می گیریم و می میریم. اصلا خبر ببینن مسئولا! برای همینه هی با قیمتا ور می رن که طول عمر ما زیاد شه.

آقای چیزفهم



صفحه ۷
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

زندگی یخچالی (قسمت سوم)

جدید یخچال های هسته ای سخنگو هستیم! گفت: پس! گیود مُج! گفتیم: ما را از پنجره بیندازید پایین، می شود حادثه چرنوبیل ۲! پس بهتر است بفرستید خارج! سازمان اتمی در تایلند شعبه ندارد؟! گفت: نه، همین جا باید باز شود تا فهمید اورانیوم کجا کار گذاشت! و رفت با جعبه ابزار برگشت. با خودم گفتیم: «خدا یا غلط کردم، اصلا من رو بفرسته شعبه بورکینافاسو! یخچال رو باز کنه، این زبان نفهم من رو هم باز می کنه! حالا چه به فارسی سخت، چه به انگلیسی ساده!» یخچال را باز کرد و فقط در آن لحظه به ذهنم رسید که ادای ربات دربیارم. از یخچال آدمم بیرون و مثل ربات ها حرکت کردم. پیرمرد گفت: «یخچال آدم ساز؟! و آمد جلو تا میزان آدم بودن من را آزمایش کند! خوب هم نمی دید لامصب! گفت: «بالینکه توی یخچال بوده، واقعیه، کیک نیست! چه جوری این ها آدم ساخت با اورانیوم؟!» (ادامه دارد...)



آنچه گذشت: من کارگر فروشگاه لوازم خانگی داخل یخچال گیر افتاده بودم. پیرمرد کم بینای خارجی که پدر سفیر از کار درآمده بود، قفل کودک یخچال را فعال کرد و من راه دررو نداشتم. شنیدم که با پشتیبانی فروشگاه تماس گرفت و با فارسی شکسته بسته ای گفت: «این است چه یخچالی؟ غیب کرد غذا را! بوی توالت می دهد! نکند داخل یخچال ها غنی کرد اورانیوم؟!»

من که پاسخ سؤالاتش را می دانستم، با خودم گفتیم: «خب از یه آدم گرسنه در محیط بسته چه توقعی داره؟!» پشت تلفن به او گفتند که یخچال را پس بفرستد، ولی پیرمرد پاسخ داد: «پس فرستاد؟! این یخچال هست مدرک، ارسال کرد سازمان بین المللی اتمی!» با خودم گفتم: «جانمی جان! یه سفر هوایی مفتی افتادیم. توی قسمت بار هم بد نمی گذره!» که شنیدم پیرمرد گفت: «نه، اصلا از پنجره بیرون پرت کرد تا شد منفجر تا همه فهمید چه کاری دارید می کنید!» و تلفن را روی طرف قطع کرد. با خودم گفتم: «واااای. من به درک، آبروی کالای ایرانی می ره! از همین طبقه یک بندازن پایین، هزار تیکه می شه و آب خون راه می افته، فکر می کنن رب توی یخچال انبار کرده!»

باید دست به کار می شدم. فکری به ذهنم رسیده بود. مثل ربات ها شمرده شمرده به پیرمرد گفتم: «سلام مستر! ممنون از خرید شما!» پیرمرد گفت: «وات؟! حرف زد؟!» ربات طور گفتم: «بله، مانسل

منوچهر منطقی، معاون وزیر صمت:

مگر قیمت مرغ ارزان می شود که خودرو ارزان شود؟

(برنامه سلام تهران)

قلعه نویی:
مگر گواردیولا با منچسترسیتی قهرمان شد که از من انتظار قهرمانی در جام ملت ها دارید؟ چچی؟ قهرمان شده است؟ خب اصلا به من چه!



علیرضا منادی، نماینده:
مگر همه آن قانون هایی که تصویب کردیم، عملی شد که حالا شفافیت آرا تصویب شود؟ یه ذره کدورت برای هرجایی لازم است



زانیار خسروی:
مگر گرشا رضایی در کنسرتش لحن مناسب دارد که من داشته باشیم؟ فقط خیار دوست ندارم. دانمارکی بیاورید، اگر من چیزی گفتم.



وزیر راه و شهرسازی:
مگر اسنپ کرایه اش ثابت است که قیمت بلیت هواپیما ثابت بماند؟ فکر کنید این هم اسنپ هوایی است!



مدیرعامل سایپا:
مگر مردن آدم چرایی دارد که دنبال پرتقال فروش در تصادفات پراید می گردید؟



میرسلیم: بنزین باید گران شود
تامردم سراغ خودروهای کم مصرف بروند

باباطاهر عریان

بارالها سرنوشت بنده را
مثل تیم ملی ایران نکن
آدمیزاده که سهل است ای خدا
هیچ شیری را تو در زندان نکن
ای همه پاکی، هوای شهر را
چون هوای سمی تهران نکن
خود تو می بینی که سدها خالی اند
دشت را محروم از باران نکن
بارالها فیلم های لوس را
دم به دم در هر کجا اکران نکن
هر کجا بینی پر از «جمشیدی» است
سینماها را پر از «پژمان» نکن
خوب می دانی تنوع نیست بد
کل سیما را پر از مهران نکن
بارالها گرچه گفتی بارها
باش آدم، گوش بر شیطان نکن
من نفهمیدم! غلط کردم! خدا
در صراط این پای رالزان نکن
خود ببخشا این گناهان مرا
تیتتر نشریه کیهان نکن
خود ببخشا هر که را جز مختلس
جرم او را از نظر پنهان نکن
حامی ما مستمندان باش، اله
بی خودی بنزین را ارزان نکن!
قهقهه کرده گوشت چون از سفره ها
لااقل این سفره را بی نان نکن
این همه شاعر، خدایا بنده را
مثل باباطاهر عریان نکن

الهی!
کمک کن قدر یارانه ۲۲۰ هزار تومانی و عیدی
۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی را بدانیم و آن ها را درست مصرف کنیم.

پنجعلی

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سعادت طالع هاشمی
دبیر: ضامن: ارزنگ حائمی
دبیر پلخمون: مجتبی نغمی راد
پیماسک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

شیر خسته

تصاویر شیر باغ وحش وکیل آباد که منتشر شد، مسئولان مربوط مقصر
شمردن شدن دنده های شیر از روی پوستش را بیماری انگلی اعلام کردند
که مولای درزش نمی رود و قطعاً دلیلش همین است، ولی حالیک در صد
شاید دلایل اعلام نشده دیگری هم داشته باشد:

شاید هم می خواد روی حیوانات جنگل تأثیر بگذاره

شاید به دلیل مضرات خوردن گوشت، پاچه می دوئم
ژست روشن فکری به گیاه خواری روی آورده.

سبزیجات لعنتی!

گوشت یا سبزیجات؟

سخنرانی

اصلانکنه می ترسه توی خواستگاری جواب منفی بگیره.

واهواه، بلایه دور، یا این شکم چطوری دنبال
شکار می دوین؟ حتماً دختر بد پخت من باید
برانون شکار کنه.

شاید هم تقصیر ماست که از روی ظاهر قضاوت می کنیم.

یا خدای نکرده گرفتار بلای خانمان سوز شده.

کفتر کو چولو... از لای
قفس بیاتو؟

صد دفعه گفتم
از موتوری جنس بگیر

طبق این نمودارها وزن شیر
۴۲ درصد نسبت به پارسال
رشد کرده مصرف گوشتش
نرخ صعودی داشته و امید به
زندگی ش هم در حال رسیدن به
سن کلاغاست!

کسی چه می دونه، شاید هم واقعا طبق نظر مسئولان مریض شده و پابه سن گذاشته.

پاشو خودت رو جمع کن
پروشکار این اداها قدیمی
شده، برای ظهر گوشت
نداریم ها.

چند تا چوب بیارین
تادم آخری نصیحتتون کنم.